

تأثیر تفکر طریقت بر شکل گیری مجموعه مزار شیخ صفی الدین اردبیلی

مجتبی رضازاده اردبیلی^{۱*}، حمیدرضا انصاری^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۵/۱۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۹/۵)

چکیده:

معماری همواره به نوعی با یک تفکر بنیادین ارتباط داشته است. به نظر می‌رسد که مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی به عنوان یکی از مراکز مهم عرفان و تصوف نیز متأثر از اندیشه‌ها و مفاهیم عرفانی بوده و این مفاهیم در شکل‌گیری معماری این مجموعه تأثیر گذار بوده باشد. مجموعه شیخ صفی الدین در طی دوره‌های مختلفی ساخته شده است اما در متون تاریخی آمده است که صدر الدین موسی - فرزند و جانشین شیخ - نظم و نسق بقعه را خود طراحی کرده است و از طریق یک رویا آن را به معمار این بنا الهام نموده است. بنابراین شاید بتوان ارتباط معماری این مجموعه را با تفکر و مفاهیم عرفانی بازشناسی نمود. در سیر مراتب عرفان از منازل هفتگانه‌ای یاد می‌شود که سالک با طی این منازل به مرتبه فنا فی الله می‌رسد. این مقاله سعی دارد تا با شناخت دقیق ویژگی‌های هر یک از این مراحل ارتباط آن را با شکل‌گیری مجموعه شیخ صفی الدین بکاود. برای دستیابی به سوال مقاله‌ی حاضر، در ابتدا تفکر طریقت مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در ادامه به شناخت و معرفی مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی پرداخته می‌شود. در گام بعدی ارتباط میان این دو حوزه بر پایه شواهد و مستندات موجود مورد بررسی واقع خواهند شد.

واژه‌های کلیدی:

شیخ صفی الدین اردبیلی، عرفان، معماری عرفانی، مراتب هفتگانه عرفان در کالبد معماری.

*نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۹۶۹۶، ۰۲۱-۴۴۱۸۰۲۰۶، نمابر: ۰۲۱-۴۴۱۸۰۲۰۶، E-mail: mrezazdh@ut.ac.ir

مقدمه

مورد بررسی قرار داد. این ارتباط می‌تواند در سطوح شکلی، نمادین و مفهومی صورت پذیرفته باشد.

ارتباط شکلی آن ارتباطی است که در قلمرو صور ظاهری باقی می‌ماند و با کاربرد عین به عین واژگان یک موضوع در معماری سعی در بازسازی آن می‌نماید. اغلب آثار ساخته شده که از این طریق سعی در بازآفرینی موضوع بنیادین خویش می‌نمایند در حوزه طراحی یادمان‌ها شکل می‌پذیرد^۱ و نمی‌تواند در آثار معماری گذشته ایران شاهد این گونه ارتباط بود^۲.

ارتباط نمادین با بهره‌گیری از زبان نمادها صورت می‌پذیرد. زبان نمادها مبین دانشی است که از راه عقل حاصل می‌گردد که همانا معرفت است^۳ (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۵). این نمادها به شکل‌های مختلفی نظیر نمادهای طبیعی، نظام‌های هندسی، رنگ‌های نمادین، و اعداد نمادین^۴ در معماری تجلی می‌یابند^۵.

ارتباط مفهومی را می‌توان ارتباطی دانست که ورای ظواهر، تمثیل‌ها و نمادها گام برداشته و از طریق یک کیفیت خاص فضایی، تجربه حضور ویژه‌ای را برای افراد به ارمغان آورده و آنها را با آفریننده اثر در درک و بازآفرینی موضوع مورد تجربه و نظری همراه سازد. در ایجاد این نوع ارتباط از نظام‌های هندسی، ماده، رنگ و نور استفاده می‌شود، لیکن نه به معنای نمادین آنها. برای تحقق‌پذیری یک ارتباط معنایی و مفهومی چگونگی هم‌سازی این عناصر با یکدیگر در خلق فضای مورد نظر اهمیت دارد.

مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی^۶ که آرامگاه آن عارف و محل تجمع و تربیت پیروان او در طی اعصار مختلف به شمار می‌آمده یکی از معدود آثاری است که همچون مجموعه شاه نعمت‌الله ولی، ارتباطی تنگاتنگ با اهل طریقت و تفکرات و سلوک آنها دارد. این مقاله سعی دارد تا کیفیت و چگونگی این ارتباط را جستجو نماید.

معماری همواره به عنوان کالبدی که متأثر از اندیشه، نگرش و سنت‌های اجتماع بوده و تاثیرگذار بر رفتار و روح آدمی می‌باشد شناخته می‌شود. از این رو هیچ‌گاه نمی‌توان یک اثر معماری را بدون شناخت بنیان‌ها و مبانی اندیشه‌های حاکم بر جامعه روز پیدایش آن اثر مورد تحلیل قرار داده و آن را شناخت. نظرات مختلفی در خصوص ارتباط میان هنر و تفکر وجود دارد. ویوله لودوک معتقد است که فرم یک اثر هنری زاینده نوعی تفکر است هر اثر هنری سعی در دستیابی به تفکر خاصی را دارد (Ta- gliaventi, 1976). در جوامع سنتی اندیشه‌های شکل‌دهنده یک اثر معماری متأثر از سنت جاری در آن جامعه می‌باشد. در اینجا سنت به معنای خُلق و خوی و عادت نیست و به مثابه‌ی شیوه گذرای یک عصر مستعجل به شمار نمی‌آید. به گفته سید حسین نصر، سنت که ضروری‌ترین عنصرش مذهب به معنای عام آن است، مادام که تمدن نشأت گرفته از آن و قومی که این سنت حکم اصل رهنمون را برایشان دارد پایدارند، بقا و دوام خواهد داشت. و حتی هنگامی که بقای ظاهری‌اش متوقف می‌شود به تمامی تسلیم مرگ نخواهد شد. در این میان، هنرها یکی از مهم‌ترین و سراسر است‌ترین تجلیات اصول سنت به شمار می‌آید، چرا که انسان در میان صور زندگی می‌کند و برای گرایش سوی متعالی باید با صُوری احاطه شود که مُثُل متعالی را پُرژواک می‌دهند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ل).

هنر این خاصیت را دارد که دریافت آن از راه شهود و مکاشفه است، نه از راه فکر و استدلال و بیان آن غنایی یا تغزلی است نه علمی و فلسفی. یعنی انسان آنچه را به مشاهده و شهود درمی‌یابد و در لوح خیال مجسم می‌کند به زبان تخیل یا شعر می‌سراید، چه پیش خود، چه برای دیگران (کروچه، ۱۳۶۷، ۵). چگونگی ارتباط یک اثر با تفکر شکل‌دهنده آن اثر را می‌توان در سطوح مختلفی

روش تحقیق

یک اثر معماری در درون خویش دارای معنایی است که از طریق تجربه حضور در فضا، آنها را به کاربران خویش منتقل می‌نماید. تجربه حضور در فضا حلقه ارتباطی میان معنا و تفکر بنیادین شکل‌دهنده اثر معماری با فضای کالبدی آن اثر می‌باشد. لیکن این تجربه می‌بایست مستند به تحقیقاتی تاریخی و تفسیری گردد. برای شناخت رابطه میان معنای مستتر در یک فضای معماری و شکل کالبدی آن مجموعه نیازمند انجام مطالعه‌ای تطبیقی میان آن دو بخش می‌باشیم. ضمن گردآوری مستندات و اطلاعات موجود در اسناد، تصاویر و سفرنامه‌ها و با بهره‌گیری از شواهد تعیین‌گر، شواهد زمینه‌ای و شواهد استنباطی سعی در تدوین این ارتباط می‌نماییم^۷. این تحقیق با مطالعه بر روی این شواهد سعی خواهد داشت تا کیفیت و نحوه ارتباط میان تفکر طریقت و شکل‌گیری مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی را روشن سازد. برای دستیابی به سوال مقاله‌ی حاضر، در ابتدا تفکر طریقت مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در ادامه به شناخت و معرفی

پاسخ‌گویی به سوال مطرح در این پژوهش نیازمند انجام تحقیقی تفسیری - تاریخی می‌باشد. در انجام این تحقیق نیازمند آن هستیم که پس از جستجو، جمع‌آوری و سازمان‌دهی مدارک و اسناد مختلف، آنها را ارزیابی نموده و روایتی کل‌نگر و قابل باور را ارائه دهیم. بدیهی است که مطالعه بر روی یک اثر تاریخی از روشنی و وضوحی که مطالعات علمی برخوردار می‌باشند بهره‌مند نیست^۸ و یا به بیان جیمز آکرمان^۹ این کار تجربه مستقیم دست‌ساخته‌های بشر می‌باشد. وی این‌گونه استدلال می‌کند که: «ما به دنبال قوانین نیوتن برای آموختن فیزیک ... نیستیم، بلکه به مکان‌هایی چون آکروپلیس در آتن و صومعه سیستین تنها برای تجربه‌ای که از معنای آنها به دست می‌آید مراجعه می‌کنیم» (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ۱۵۱). دو واژه تجربه و معنا در نوشته آکرمان نشان می‌دهد که

بی صوان می باشد و زود خراب می شود.^{۱۰} این محصول نصایح و توصیه های شیخ زاهد - مرشد شیخ صفی - بود که در تربیت و ارشاد شیخ صفی نهایت اهتمام را داشته بود و بارها به شیخ توصیه کرده بود که:

«زینهار! باید که عنان شریعت و متابعت پیغمبر (ص) محکم بگیری تا کسی را مجال اعتراض نباشد ... باید که جمع میان حقیقت و شریعت کرده باشی. لقمه حقیقت را در کسوه شریعت در حوصله مرید اندازی» (طباطبایی مجد، ۱۳۷۶، ۱۵۵).

اصطلاح طریقت با دو واژه عرفان و تصوف آمیخته است. عرفان با تزکیه، تصفیه و پاکی دل آغاز می شود و سالک با طی منازل و مراحل به اشراق نهایی اصل می شود. وی در آخرین مرحله، خود را بی واسطه در نزد حق می بیند، هر گونه حجاب و فاصله ای زایل می شود و سالک که اینک پا به مرحله استغراق و فنا گذارده همه چیز را واحد می بیند (بلخاری، ۱۳۸۴، ۳۱). لیکن تصوف در معنای حقیقی خویش تا حدی با عرفان متفاوت است.^{۱۱} حقیقت تصوف بر دو پایه اساسی استوار است: (۱) تجربه باطنی رابطه مستقیم بنده و خداوند و (۲) امکان اتحاد میان بنده و خداوند.^{۱۲} در این مسیر امکان اتصال میان بنده و معبود تا حدی است که انسان به مرحله اتحاد تام و تمام برسد به گونه ای که از او چیزی جز «او» باقی نماند و از همین جاست که طریقت تصوف نردبان صعود است که دارای مراتب و درجات مختلفی می باشد و پله نهایی آن رسیدن به «ذات علیه» است، سفری است با چند معراج تا قله اتحاد انسان و خدا.^{۱۳}

این سیر که بنا بر گفته عطار از معرفت آغاز و به توحید ختم می شود دارای مراحل و مراتبی است. برخی این مراتب را هفت، برخی دیگر چهار و برخی از بزرگان سه یا حتی دو نیز دانسته اند. عدد هفت عدد مقدسی است و در فرهنگ اسلامی معانی نمادین ویژه ای را به ذهن متبادر می سازد. تعداد طبقات آسمان ها و زمین، تعداد روزهای خلقت زمین، تعداد دورهای طواف کعبه، تعداد آیه های سوره حمد، و رمی شیطان با هفت سنگ تنها بخشی از نمونه های کاربرد عدد هفت در فرهنگ اسلامی می باشد. سراج طوسی در عرفان از هفت مرحله توجه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل، و رضا نام می برد و عطار این مراحل را طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، و فقر و فنا برمی شمارد. جهت ارتباط میان این مراتب با مراحل طی شده در مجموعه شیخ صفی در ادامه به تعریف هر مرحله و نیز کیفیت این ارتباط خواهیم پرداخت.

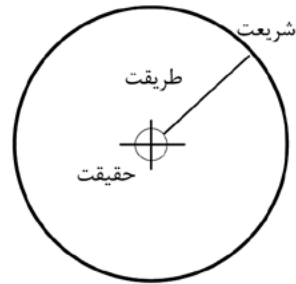
مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی

بنیان شکل گیری مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی به قرن هشتم هجری باز می گردد. این مجموعه در ابتدا مسکن شیخ صفی، خانقاه و محل تجمع مریدان وی بوده است. ابن بزاز اردبیلی در صفوة الصفا آورده است که شیخ وصیت نمود که: «اگر مجال دهند و توانید کردن در گورستان غریبانم دفن کنید - و این گورستانی است در جانب غربی اردبیل که مدفن غریباست

مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی پرداخته می شود. در گام بعدی ارتباط میان این دو حوزه بر پایه شواهد مذکور مورد بررسی واقع خواهند شد.

تفکر طریقت

جهت شناخت تأثیر تفکر طریقت بر شکل گیری مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی ابتدا شایسته است که نگاهی به تفکر طریقت داشته باشیم. شاید تعاریف متعددی از طریقت وجود داشته باشد و صاحب نظران مختلف مراتب و راه های گوناگونی را برای آن ذکر کرده باشند اما آنچه در میان تمامی نظرات مشترک است، این است که طریقت مسیر و شیوه سلوکی برای رسیدن به حقیقت می باشد. اهل طریقت معتقدند که هر کس باید علاوه بر اطاعت از شریعت، طریق و روش سیر و سلوک خاصی را برای تزکیه باطن اختیار کند، روشی که مبتنی بر احکام قلبی و اجتناب از ماسوی الله است. بنابراین طریقت سیری باطنی است که از شریعت آغاز گردیده و سالک را به سوی حقیقت رهنمون می گردد. برخی رابطه میان شریعت، طریقت و حقیقت را به صورتی تصویر می کنند که شریعت دایره ای است با مرکزیت حقیقت و طریقت همچون شعاع هایی است که محیط را به مرکز مرتبط می سازد. فرض بنیادین طریقت آن است که در هر چیزی معنایی نهان وجود دارد، هر چیزی دارای معنایی برونی و نیز درونی است. برای شناخت تمامیت یک چیز باید نه تنها در جستجوی واقعیت بیرونی و گذرانش باشیم بلکه واقعیت ذاتی و درونی اش را نیز باید جستجو کنیم.



تصویر ۱- ارتباط میان شریعت، طریقت و حقیقت.

در قرن هشتم هجری، دو طریقه مشخص در تصوف بیشتر ملاحظه می شود. یکی مکتب سهروردی است که در آن تصوف و زهد در هم آمیخته است و زهد و عبادت و مجاهدت و رعایت آداب و سنن و مداومت بر اوراد و انکار اصل است. مکتب دیگر مکتب مولوی است که در آن خداپرستی عاشقانه و وجد و سماع و قول و ترانه اصل است. آنچه از گفتار و نوشتار ابن بزاز اردبیلی در صفوة الصفا برمی آید، نشان می دهد که راه شیخ صفی از راه مشایخ دو طریقه ذکر شده جداست. یعنی طریقه ای که شیخ دنبال می نمود آیینی است از مشخصات دو طریقه سهروردیه و مولویه (گلمغانی زاده اصل و یوسفی، ۱۳۸۴، ۴۵). شیخ صفی الدین جایگاه شریعت را این گونه توصیف می کند که شریعت مثل پوست میوه می ماند که اگر این پوست نباشد میوه

یافته است که بعد از آن می‌بایست از روی آن ساختمان نماید» (صفری، ۱۳۵۳، ۱۴۴).

قدیمی‌ترین منبعی که درباره ساختمان‌های مجموعه شیخ صفی نگاشته شده کتاب صریح الملک است که به دستور شاه طهماسب اول توسط عبدی بیگ شیرازی در سال ۹۷۵ ه. ق نگاشته شده است. بنابر مطالب این کتاب بخش‌های اصلی مجموعه در آن دوره عبارت بودند از: «حیاط بزرگ»، «عرصه» - حیاط کوچک، «صفه» - صحن اصلی بقعه، «ساحت» - ایوان جنوبی، «دارالحدیث» - قندیل‌خانه، «دارالحفاظ» و سر در شاه عباسی، «درگاه معلی»، «جنت سرا»، «چینی‌خانه»، «محوطه شهیدگاه»، «چله‌خانه قدیم»، «چله‌خانه جدید»، حرم، گنبد خانه، مدرسه و زاویه. مورتن شرح ساختمان‌های موجود بقعه در کتاب صریح الملک را به صورت کروکی ترسیم نموده است (Morton, 1974).

کاوش‌های باستان‌شناسی که در طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۴ توسط سازمان میراث فرهنگی انجام شد برخی از فضاهایی که در کتاب صریح الملک آمده است را نشان داد. فضاهای اصلی به‌جای مانده از مجموعه شیخ صفی را می‌توان در دسته‌بندی پانزده‌گانه برشمرد که جدول ۱ به تاریخ ساخت، بنیانگذار، مرمت و کاربری هر یک اشاره دارد.

رابطه تفکر طریقت و مجموعه شیخ صفی‌الدین

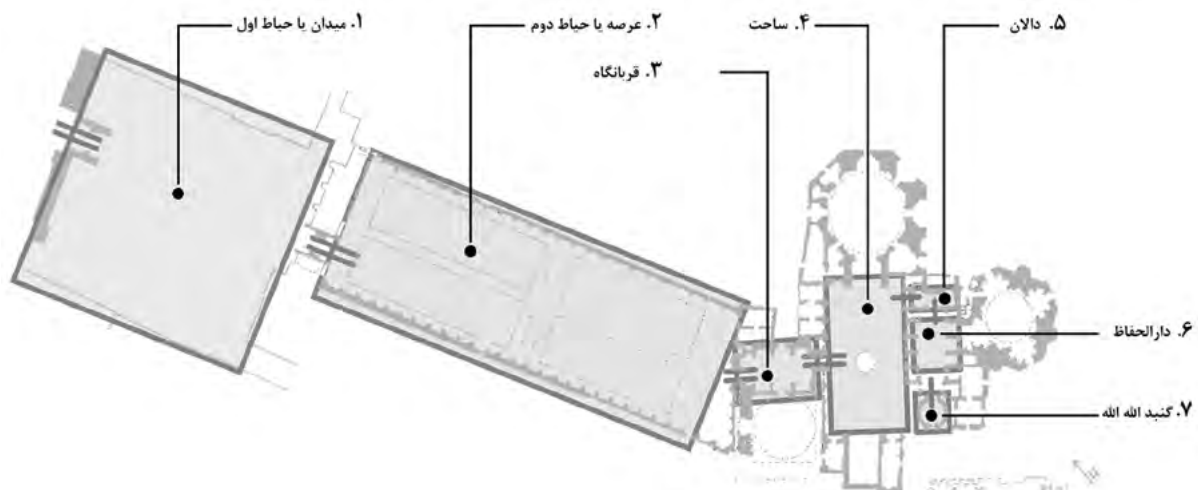
همانطور که پیش‌تر گفته شد از مراتب مختلفی در طریقت نام برده می‌شود که لازمه شناخت رابطه میان این مراتب با مراحل طراحی شده در مجموعه شیخ صفی‌الدین، شناختن هر یک از این مراتب و مراحل می‌باشد. سراج طوسی برای عارفان هفت مقام قایل است که عبارتند از:

۱. توجه: که بیدار شدن قلب از خواب غفلت است. در اثر این بیداری، بنده زشتی‌های اعمال خود را می‌بیند و اراده می‌کند که

- و اگر نتوانید هر کجا که باشد» (ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳، ۹۸۳). وی می‌افزاید که پس از وفات شیخ، ضمن مشاوره و اجماع تصمیم بر آن شد که مرقد ایشان در مقامی خاص باشد که جنب خلوت‌خانه شیخ، باغچه، حوضخانه، خلوت‌سرای عام و مزار مریدان بوده است. پیش از وفات شیخ در این مقام برای وی وجدی حاصل شده بود که درباره آن گفته بود «از فیضی که نازل شد بدین مقام نصیبی رسید». همچنین سیدالسالکین ابراهیم کرد در مکاشفه‌ای دیده بود که چندین هزار از روحانیون در لوی درخت بیدی که در این مقام قرار داشت منتظر نشسته بودند تا به دیدار شیخ مشرف شوند گویی که سال‌ها پیش از آنکه شیخ در این مکان دفن شود روحانیان ملازم و مجاور این مقام بوده‌اند.^۱ مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در طی چندین قرن احداث گردید. گنبد الله که بنای اصلی مجموعه به شمار می‌آید به دستور صدرالدین موسی^{۱۰} بر روی قبر شیخ صفی ساخته شد و سایر بخش‌ها در طی سالیان بعد ساخته شدند. صدرالدین موسی نظم و نسق بقعه را از نظر خدام و ملازمان و شمع‌ها و مشعل‌ها تعیین کرد و نیز ترتیب خلوتخانه و سایر اتاق‌ها را مقرر نمود (ابدال زاهدی، ۱۳۴۳، ۳۹). معمار این بقعه بنا بر گفته اولتاریوس شخصی از شهر مدینه بود که طرح و نقشه صدرالدین موسی را به اجرا درآورد (اولتاریوس، ۱۳۷۹، ۴۹۹). کتیبه به جای مانده بر روی سر در عالی‌قاپو تاریخ ۱۰۵۷ ه. ق را نشان می‌دهد که تقریباً آخرین گام شکل دهنده مجموعه می‌باشد، هر چند که در طی سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۰۰ دیوار کشی حیاط بیرونی و طبقه دوم سر در اصلی نیز بدان اضافه شدند.

با وجود اینکه بناهای مختلف این مجموعه در طی دوره‌های مختلف تکمیل گردیده‌اند گفته می‌شود که طرح آنها ملهم از طراحی بود که به صورت معجزه بر معمار رخ نموده بود. آدام اولتاریوس می‌نویسد که:

«نقش و طرح ساختمان را خود شیخ صدرالدین به شکل معجزه داده است، او به استاد فرمان داد که چشم خود را ببندد و استاد چنین کرد و در رویای خود تصویر عمارتی را الهام



تصویر ۲- نقشه مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مراحل هفت‌گانه.

جدول ۱- شناسنامه کلی بناهای مجموعه شیخ صفی.

نام فضا	تاریخ ساخت	بنیان گذار	مرمت‌ها و سال انجام	کاربری‌ها
۱ حرم خانه و راهروی ورودیش	۱۳۲۴-۱۳۲۴ م (۷۲۵-۷۳۵ ه ق)	شیخ صفی الدین (۶۵۰-۷۳۵ ه ق)	مرمت داخل گنبد توسط شیخ ابدال زاهدی (۱۰۰۱-۱۶۲۰ ه ق) دوباره‌سازی پوشش بیرونی گنبد (۱۹۵۴ م)	محل برای بانوان و مقبره آنها
۲ گنبد الله الله	۱۳۲۴-۱۳۲۴ م (۷۳۵-۷۴۵ ه ق)	شیخ صدرالدین (۷۰۴-۷۹۴ ه ق)	تعویض دکوراسیون چوبی داخل بنا (اواخر قرن ۱۹ م) مرمت پایه زیر گنبد و تبدیل به ۸ ضلعی (۱۹۴۵ م) دوباره‌سازی کاشی‌های جداره بیرونی (۱۹۴۹ م) مرمت کف گنبد و ضریح (۱۹۸۲ م)	گنبد اصلی و مقبره شیخ
۳ چینی خانه (گنبدخانه اصلی) چینی خانه (تزیینات داخلی)	۱۳۳۴-۱۳۶۴ م (۷۳۵-۷۶۵ ه ق) ۱۶۰۷-۱۶۱۱ م (۱۰۲۰-۱۰۱۶ ه ق)	شیخ صدر الدین شاه عباس اول (۹۷۸-۱۰۳۸ ه ق)	دوباره‌سازی گنبد بیرونی بنا (۱۹۷۲ - ۱۹۷۰ م) مرمت پوشش و تزیینات داخلی (۱۹۹۶ م)	محل برای سماع دراویش محل نگهداری و نمایشگاه چینی‌ها
۴ چله خانه جدید	۱۳۳۴-۱۳۹۱ م	شیخ صدرالدین	آخرین مرمت حجره‌ها توسط شیخ عبدال زاهدی (۱۶۱۱-۱۶۲۸ م) فروریختن گنبد چله‌خانه (۱۷۰۳-۱۷۵۸ م)	محل چله‌نشینی
۵ رواق دارالحفاظ (قندیل خانه)	۱۳۴۴-۱۳۶۴ م (۷۴۵-۷۶۵ ه ق)	شیخ صدرالدین	مرمت شاه نشین (۱۶۲۷-۱۶۲۱ م) روکش درها با نقره انجام شده (۱۶۳۲-۱۶۰۲ م) ساخت سقف مسطح قندیل خانه (۱۸۷۵-۱۸۵۳ م)	سالن عبادت یا قرائت خانه قرآن
۶ صغه (قربانگاه)	۱۳۳۴-۱۳۹۱ م (۷۴۵-۷۹۴ ه ق)	شیخ صدرالدین	تقویت دیوارها و مرمت (۱۹۷۲ م)	راهرویی برای دو چله‌خانه
۷ قبر برجی شاه اسماعیل (اتاقک زیر گنبدخانه)	۱۴۹۹-۱۵۲۴ م (۹۰۵-۹۳۰ ه ق)	شاه اسماعیل اول (۸۹۲-۹۳۱ ه ق)	ساخت گنبد روی اتاقک موجود (۱۶۴۷ م) مرمت گنبد (قرن ۱۹ م) دوباره‌سازی تزیینات کاشی کاری بیرونی گنبد (۱۹۷۱ م)	مقبره
۸ دارالحديث	۱۴۹۹-۱۵۱۰ م (۹۰۵-۹۱۵ ه ق)	شاه اسماعیل اول	مرمت دکوراسیون (۱۶۱۱-۱۶۰۷ م) مرمت (قرن ۲۰ م)	مدرسه مباحث مذهبی
۹ جنت سرا و رواقش	۱۵۳۶-۱۵۴۰ م (۹۴۷-۹۴۳ ه ق)	شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۱ ه ق)	ساخت سقف تخت با ۱۶ ستون (۱۸۸۲-۱۸۸۱ م) مرمت نما (۱۹۷۵-۱۸۹۰-۱۸۸۹ م) مرمت سقف مسطح (۱۹۷۲ م) ساخت سقف گنبدی جدید (۲۰۰۰ م)	میدان دراویش کتابخانه مسجد
۱۰ سر در اصلی بقعه سردر اصلی (طبقه دوم)	۱۵۲۴-۱۵۷۶ م (۹۳۱-۹۸۴ ه ق) ۱۹۲۵-۱۹۲۷ م (۱۳۴۷-۱۳۴۵ ه ق)	شاه طهماسب اول پهلوی	ساخت طبقه دوم به منظور کارکردهای اداری (۱۹۲۷-۱۹۲۵ م) تعمیرات کاشی‌های معرق (۱۳۷۴ ه - ش) تخریب کامل سردر (حوالی ۱۳۸۰ ه - ش)	سردر
۱۱ سردر شاه عباسی (حیاط ساحت)	۱۶۲۶ م (۱۰۳۶ ه ق)	شاه عباس اول	مرمت سردر (قرن ۲۰ م)	ورودی صحن رویاز
۱۲ حیاط داخلی (ساحت)	۱۵۹۸-۱۶۱۹ م (۱۰۲۹-۱۰۰۷ ه ق)	شاه عباس اول	دوباره‌سازی ۴ عدد اتاق‌ها (قرن ۱۹ و ۲۰ م) مرمت حیاط (۱۹۴۳ م) حذف قسمتی از دیوار مزار مریدان (۱۹۸۵ م)	صحن رویاز
۱۳ سردر عالی قاپو (دروازه)	۱۶۷۴ م (۱۰۵۷ ه ق)	شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۳ ه ق)	برچیده شدن نقاره‌خانه در طبقه بالای دروازه (۱۹۲۵-۱۹۲۰ م) برچیده شدن دروازه توسط اداره باستان‌شناسی (۱۹۴۲ م)	سردر اصلی
۱۴ حیاط بیرونی (عرصه)	۱۳۰۰-۱۳۲۴ م (باغ شیخ) ۱۵۳۶-۱۵۴۳ م (تعمیر طهماسب) ۱۸۸۴ م (ساخت دیوار حیاط)	صدر الممالک	دوباره‌سازی ۴ عدد از طاق‌های اطراف حیاط (۱۹۴۴-۱۹۴۳ م) مرمت طاق‌نماهای دور حیاط (۲۰۰۵-۱۹۸۵ م)	باغ مرکزی
۱۵ شهیدگاه	۱۴-۱۷ م	شیخ صفی الدین شاه اسماعیل اول شاه عباس اول	مرمت‌های شیخ ابدال زاهدی (۱۶۲۸-۱۵۸۶ م) دیوارکشی دور محوطه شهیدگاه (۱۹۴۳ م) مطالعات مرمتی (۱۹۷۱ م)	قبرستان

جرعه زان باده چون نوشش شود
هر دو عالم کل فراموشش شود
غرقة دریا بماند خشک لب
سر جانان می کند از جان طلب
ز آرزوی آنکه سر بشناسد او
ز اژدهای جان ستان نهراسد او
کفر و لعنت گر به هم پیش آیدش
در پذیرد تا دری بگشایدش
چون دری بگشاد، چه کفر و چه دین
زانک نبود زان سوی در آن و این

وادی طلب اولین مرحله ای است که طالب در آن گام می نهد. در این مرحله وی با دیگر مردمان همراه است. یک دانشمند نیز برای رسیدن به حقایق علمی از مرحله طلب وارد می شود و اصولاً هیچ کشفی بدون خواستن انجام نمی گیرد. در این وادی هنوز نیک و بد به هم آمیخته است و تشخیص آنها از یکدیگر سخت است. به همین دلیل است که طالب باید دل از همه آنها پاک گرداند.

چون نماند هیچ معلومت به دست
دل ببیاید پاک کرد از هر چه هست
سرگردانی و پدید آمدن مشکلات در این راه ویژگی وادی طلب است. این وادی در دنیای ما بین ذهنیات و عینیات شکل گرفته است. البته این سرگردانی با تاییدن نوری بر دل سالک پایان می یابد و او را به وادی عشق می کشد. و از سوی دیگر آتش در این راه بر سالک پدید می آید و دشواری هایی بر سر راه او رخ می نماید.

چون شود آن نور بر دل آشکار
در دل تو یک طلب گردد هزار
در اینجا دری بر وی گشوده می شود، دری که همیشه باز بوده است. این در معنای فضایی و مکانی خاصی را با خود دارد و در پس آن فضایی پر ابهام وجود دارد که نشانه هایش را نمی توان از این سو دید.

کفر و لعنت گر به هم پیش آیدش
در پذیرد تا دری بگشایدش
چون دری بگشاد، چه کفر و چه دین
زانک نبود زان سوی در آن و این

• در مجموعه شیخ صفی الدین: میدان یا حیاط اول^{۱۷}
وادی اول در مراحل سیر رسیدن به مقبره شیخ صفی، میدان یا حیاط اول است. آخرین بخش به جای مانده از این حیاط، سر در عالی قاپو می باشد که به دلیل صدمات فراوان وارده و امکان ریزش، در آبان ۱۳۲۱ ه.ش پس از برداشت باقیمانده تزیینات، به پیشنهاد فرماندار وقت از طرف اداره کل باستان شناسی تخریب گردید (صفری، ۱۳۵۳، ۲۰۲). این میدان به نوعی نماد شریعت به شمار می آمده، در یک گوشه آن مسجد عالی قاپو قرار داشت که نمازگزاران برای وضو، از منشاء یکی از بهترین آب های اردبیل که با نام آب اهل ایمان شناخته می شده و به گوشه میدان منتهی

خود را از آن زشتی ها جدا کند.
۲. ورع: پرهیز از شبهات و اغراض نفسانی و چیزهایی است که احتمال حرمت در آنها داده می شود.
۳. زهد: که صرف نظر از منافع پست و آنی و زودگذر برای رسیدن به لذایذ باقی و عظیم است.
۴. فقر: آن است که سالک از همه چیز جز خدای تعالی بی نیاز باشد و هیچ چیز را در تملک خود نداند.
۵. صبر: عبارت است از خویشتن داری و تحمل شداید، بدون شکایت به کسی و خرسندی و رضا به قضای الهی.
۶. توکل: آن است که سالک خود را بی واسطه به خدای تعالی واگذارد و در برابر اراده او از خود اراده ای بروز ندهد.
۷. رضا: به معنی بیرون کردن کراهت از قلب است تا جایی که جز سرور چیزی در آن باقی نماند (یثربی، ۱۳۶۶، ۴۰۴).
اما دیدگاه عطار در میان صاحب نظران مختلف دارای تاثیرگذاری بالاتری است و شواهد موجود در مجموعه شیخ صفی الدین نشان از آن دارد که این مراحل با نظرات عطار قرابت بیشتری دارد. عطار در اشعار خویش از هفت وادی نام می برد و پس از این مراحل از مرتبه ای یاد می کند که دیگر نمی توان نامی بر آن نهاد و در آنجا دیگر روش معنی خود را از دست می دهد:

هست وادی طلب آغاز کار
وادی عشق است از آن پس، بی کنار
پس سیم وادی است آن معرفت
پس چهارم وادی استغنی صفت
هست پنجم وادی توحید پاک
پس ششم وادی حیرت صعب ناک
هفتمین وادی فقر است و فنا
بعد از این روی روش نبود ترا
در کشش افقی، روش گم گرددت
گر بود یک قطره قلمز گردت

الف - وادی اول

• در طریقت: طلب یا جستجو

چون فرو آیی به وادی طلب
پیشست آید هر زمانی صد تعب
چون نماند هیچ معلومت به دست
دل ببیاید پاک کرد از هر چه هست
چون شود آن نور بر دل آشکار
در دل تو یک طلب گردد هزار
گر شود در راه او آتش پدید
ور شود صد وادی نا خوش پدید
خویش را از شوق او دیوانه وار
بر سر آتش زند پروانه وار
سر طلب گردد ز مشتاقی خویش
جرعه می خواهد از ساقی خویش

که آن را با سایر حیاط‌ها متمایز می‌کند. حتی دروازه ورود به این حیاط و خروج از آن نیز در محور اصلی قرار نگرفته است. گویی جهت دار نبودن حیاط و آمیخته بودن آن با عملکردهای شهری به نوعی حکایت از ویژگی‌های وادی طلب دارد. پیش‌تر گفته شد که نشان‌های مقصد در این وادی کاملاً عیان نمی‌باشد، شخصی که به این حیاط نیز وارد می‌شود اطلاعات خاصی از گنبد الله الله ندارد و تصویری از آن را نمی‌بیند و تنها در حیاط دوم است که این گنبد خود را نشان می‌دهد.



تصویر ۶- مراسم عزاداری محرم در میدان.

ب - وادی دوم

• در طریقت: عشق

حرکت در یک مسیر وابسته به اراده است و به گفته آگوستین «عشق چیزی نیست جز اراده شدید». اما پلوتینوس تعبیر دیگری از عشق دارد و آن را آرزوی شدید ادغام در هم که در آن روح از طریق ارتباط با اشرف موجودات در قلمرو هستی با یک لذت آنی مشعوف می‌شود بیان می‌دارد (کاپن، ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۹۲). عطار نیز این وادی را این گونه توصیف می‌کند:

کس در این وادی بجز آتش مباد

وانک آتش نیست عیشش خوش مباد

عاشق آن باشد که چون آتش بود

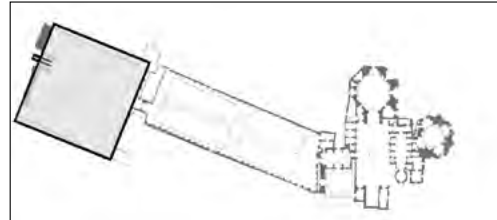
گرم رو سوزنده و سرکش بود

عشق یعنی بیگانه شدن از همه خواسته‌ها و تعلقات متفرقه. خاصیت عشق این است که ذهن و توجه آدمی به طرف معشوق متمرکز می‌شود و سایر علایق نمی‌تواند نظر او را به خود جلب کند. در وادی حب یا عشق اراده و استقامت لازم است و این کار تنها با عمل محقق می‌شود. عشق را می‌توان زاده حالی دانست که بر انسان مستولی می‌شود نه منبعث از ویژگی‌های سنتی که در افکار و شیوه‌های سلوک آدمی ریشه دوانده است. در وادی عشق انسان در معرض آتشی قرار می‌گیرد که می‌سوزد و می‌سوزاند. در این وادی انسان در خلائی فکری به سر نمی‌برد بلکه در تب و تاب حرکت است و هیچ چیز او را از راه باز نمی‌دارد.

• در مجموعه شیخ صفی‌الدین: عرصه یا حیاط دوم

حیاط دوم یا عرصه، مرحله دوم از مراحل طی شده در

می‌شده استفاده می‌نمودند. در این میدان مراسم عزاداری در طول قرن‌ها برگزار می‌شد و دسته‌های عزاداری شهر در طی مسیر عزاداری بعد از عبور از مقابل امامزاده صالح به این میدان آمده و سپس به سوی مسجد سلیمان شاه حرکت می‌کردند.



تصویر ۳- میدان یا حیاط.

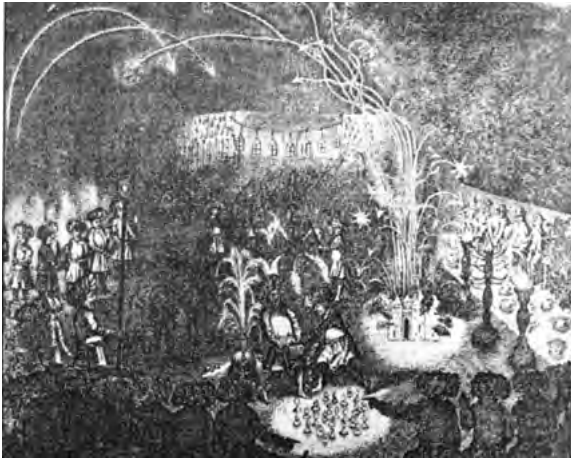


تصویر ۴- سر در اصلی ورود به حیاط اول.

کیفیات دقیق کالبدی این حیاط مشخص نیست. قدیمی‌ترین نقشه ترسیم شده از این بنا را شولتس تهیه کرده و زاره در ۱۸۹۷ م آن را رایه داده است (زاره، ۱۳۸۵). این نقشه نشان می‌دهد که حیاط مذکور تناسب مربع داشته و در جداره‌های آن مغازه‌هایی شکل گرفته است. همچنین به این حیاط کوچه‌هایی منتهی می‌شود



تصویر ۵- سر در اصلی ورود به حیاط اول.
ماخذ: (زاره، ۱۳۸۵)



تصویر ۹- مراسم آتش بازی در حیاط دوم، کرویگی از آدام اوله آریوس
ماخذ: (Rezazadeh, 1984, 238)

ج - وادی سوم • در طریقت: معرفت

بعد از آن بنمایدت پیش نظر

معرفت را وادی بی پای و سر

هیچ کس نبود که او اینجا نگاه

مختلف گردد ز بسیاری راه

مردم غیر صوفی ممکن است از مرحله معرفت به عشق برسند یعنی پس از شناسایی کامل چیزی را دوست بدارند یا بپرستند. اما راه صوفی این نیست. او ابتدا عشق می‌ورزد سپس با گام‌های عاشقانه راه‌های دور و دراز معرفت معشوق را طی می‌کند و معتقد است که نیروی عشق در این راه باعث می‌شود تا سالک زودتر به معرفت حقیقت آشنا شود. مولوی در مقالات خویش می‌گوید:

«همه چیز را تا نجویی، نیابی. جز این دوست را: تا نیابی نجویی» (مولوی، ۱۳۷۷).

این امر نشان از تقدم رویت بر حرکت در این راه دارد که امری متفاوت از سایر امور است. در وادی معرفت از یک سو مسیر مشخص است و معین و از سوی دیگر نیاز به تامل و اندیشه دارد.

• در مجموعه شیخ صفی‌الدین: صفا، قربانگاه، چله خانه قدیم و چله خانه جدید

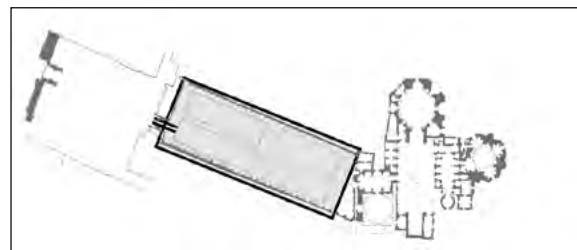
گام سوم در مراحل تقرب به مقام شیخ قربانگاه می‌باشد. درهای چله خانه قدیم و چله خانه جدید به این فضا باز می‌شدند و این امر حکایت از اهمیت درنگ و حضور در این فضا دارد. ماندلسلو که در سال ۱۶۷۹ از اردبیل دیدن کرده می‌نویسد که «این محل را چله خانه می‌نامیدند زیرا شیخ صفی سالی چهل روز در آنجا روزه می‌گرفت و فقط روزی با یک بادام و کمی آب افطار می‌کرد»^{۱۹} (صفری، ۱۳۵۳، ۲۰۸).

قربانگاه فضایی کوچک است که در آن توجه انسان به سوی آسمان جلب می‌شود و گویی حقیقت معرفت در اینجا سعی

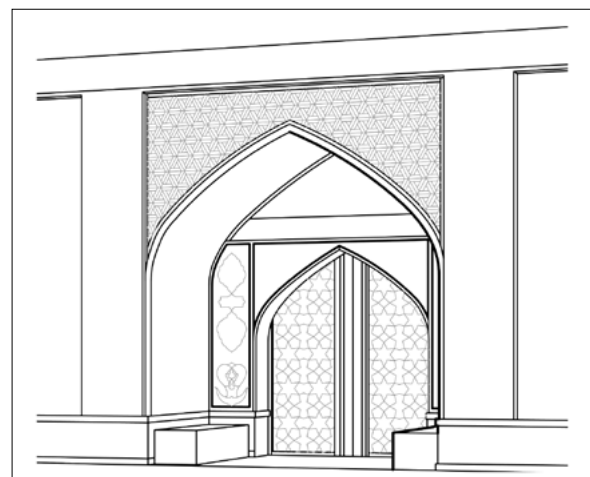
مجموعه شیخ صفی و متناظر با وادی عشق است. این حیاط مستطیل شکل و دارای تناسباتی کشیده است که دیگر هیچ راهی بدان باز نمی‌شود و در انتهای محور این حیاط دری به سوی مراحل بعدی گشوده می‌شود. در اینجا هیچ چیز انسان را به خود مشغول نمی‌سازد، مسیر مستقیم است و حتی حوض آب این حیاط در مرکز حیاط واقع نشده و انسان را از مسیر منحرف نمی‌سازد بلکه دو سوی راه قرار گرفته است و سد راه سالک نیست. در این حیاط تصویری اولیه و مبهم از گنبد الله الله دیده می‌شود و خیال فرد را بر می‌انگیزاند و شوق دیدار و رسیدن به او را در دل افزون می‌کند.

این تصویر را شاید بتوان با این ویژگی وادی عشق مرتبط دانست که در وادی عشق نیز معشوق آنگونه شناخته می‌شود که عاشق می‌خواهد نه آن‌گونه که هست. این حیاط با گل سرخ پوشیده می‌شده و عطر و رنگ خاص آن تداعی‌گر عشق به شمار می‌آمده است. گل سرخ نزد عرفانمادی از شکوه خداوند می‌باشد. روزبهان بقلی رویایی را اینگونه توصیف می‌کند: «من شکوه او (خدا) را به رنگ گل سرخ دیدم و حدی بر آن ندیدم، گفته پیامبر بر دلم گذشت که گل سرخ از شکوه خداوند است و این غایت ادراک قلب من بود» (بلخاری قهی، ۱۳۸۴، ۴۸۹)^{۲۰}.

تصاویر به جای مانده از این حیاط نشان می‌دهد که در این فضا آتش بازی به عنوان یکی از مراسمات برگزار می‌گردید و آن را می‌توان با ویژگی‌هایی که عطار از وادی دوم یاد می‌کند مرتبط دانست.



تصویر ۷- عرصه یا حیاط دوم.



تصویر ۸- سر در ورود به حیاط دوم.

د- وادی چهارم • در طریقت: استغنا

بعد از این وادی استغنا بود
نه درو دعوی و نه حضی بود
می‌جهد از بی‌نیازی صرصری

می‌زند بر هم به یک دم کشوری
سالک در این مرحله خود را از همه جهان و جهانیان بی‌نیاز می‌بیند و غم و شادی‌های زندگی در نظرش بی‌ارج و کودکانه می‌نماید. هدف او وصول به حق و اتصال و اتحاد با اوست. از این رو پس از وصول، قفل خموشی بر لب می‌نهد و غالباً اسرار را همچنان نامکشوف می‌گذارد و لفظ و عبارتی هم برای بیان آن اسرار نمی‌یابد و اگر بیابد نیز سخنش نامفهوم و غامض جلوه می‌کند. جلوه‌های مادی نمی‌توانند فریبش دهند، در خود احساس بی‌نیازی می‌کند. این بی‌نیازی او را وارسته می‌کند و هر وجود وارسته‌ای عظیم و عزیز می‌گردد (بدوی، ۱۹۱۷). اما عبور از این وادی تنها از طریق یک اتفاق صورت می‌پذیرد و نه از طریق یک مسیر روشن و مشخص.

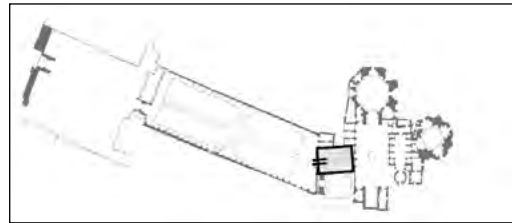
• در مجموعه شیخ صفی‌الدین: ساحت

ساحت یا حیاط داخلی با کاشی‌کاری‌ها و تناسبات خاص خویش به مخاطب این حس رسیدن را عطا می‌کند. به ویژه آن زمان که پس از عبور از قربانگاه ما را با گنبد الله آشنا می‌نماید و رضایتی از شرایط حال را حاصل می‌کند. در اینجا بازی رنگ‌ها و حضور آب و آسمان و کاشی در کنار یکدیگر دیگر جایی برای دنیایی که از آن آمده‌ایم باقی نمی‌گذارد و حس بی‌نیازی از هر چه تا حال تجربه کرده‌ایم را در ما ماندگار می‌سازد.

امروزه دیوار این حیاط کامل نیست و گنبد الله بی واسطه دیده می‌شود لیکن در اسناد به جای مانده از گذشته دیده می‌شود که این دیوار کامل بوده و فضایی آرام را به وجود می‌آورده، فضایی که در آن تنها صدای قرآن خواندن قاریان که در دارالحفاظ صورت می‌گرفت به گوش می‌رسید. حوض سنگی دوازده ترک در میان این حیاط که خود رابطه‌ای نمادین با تعداد ائمه شیعه داشته و سایر خصایص ذکر شده فضایی را پدید می‌آورد که آن را می‌توان به تمام معنی فضای سکوت نامید.

در قسمت جنوبی حیاط ساحت دارالحدیث قرار داشت که در آن به مسایل فقهی و آموزشی پرداخته می‌شده است. تحصیل علوم در کانون‌های خانقاهی از آن نظر ضرورت داشت که مبانی مسلک تصوف بر تفسیر قرآن و شناخت احادیث و کلمات مشایخ استوار بود و دریافت معانی عرفانی بدون علوم دینی حاصل نمی‌شود و هر عارفی نخست باید عالم باشد (کیانی، ۱۳۶۹، ۳۷۴). در سوی دیگر این حیاط و در مقابل دارالحدیث، جنت سرا قرار داشت که مکان سماع دراویش بوده و دارای سنگ میدان است. این مکان بعدها به نام مسجد جنت سرا شناخته شد ولی دارای محراب نبوده و در جهت قبله نیز بنا نگردیده است. در واقع دارالحدیث و جنت سرا دو بال فقهی و عرفانی اهل طریقت را برای

در تجلی داشته است. از پس یک در کوچک مقداری از فضای ساحت یا حیاط داخلی که دیگر می‌توان از آن به عنوان ساحت حضور نام برد دیده می‌شود و انسان را به خود فرا می‌خواند. لیکن عبور از این مرحله عکس مرحله قبل با سرعت و شتاب همراه نیست، بلکه با درنگ و تأمل همراه است. تأمل در معنی واژه قربانگاه نیز نکاتی را بر ما آشکار می‌سازد. قربانی کردن را می‌توان در داستان قربانی شدن حضرت اسماعیل توسط حضرت ابراهیم ریشه یابی نمود. در اینجا حضرت ابراهیم پس از آگاهی یافتن نسبت به حقیقت خوابی که دیده بود دست از فرزند خویش شست و او را به قربانگاه آورد و این همان ویژگی مقام معرفت است که انسان با آگاهی کامل نسبت به حضرت حق، دست از خواسته‌های خویش بر می‌دارد و نه همانند وادی عشق که این دست شستن بدون معرفت و تنها از سر اشتیاق وصال معشوق است.



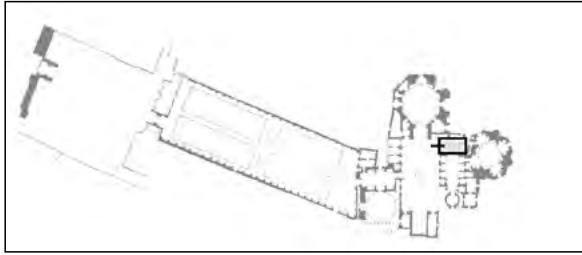
تصویر ۱۰- قربانگاه.



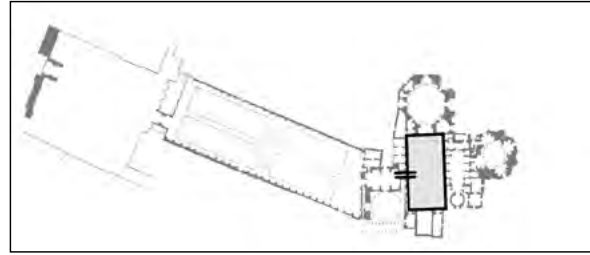
تصویر ۱۱- سر در ورود به حیاط سوم.



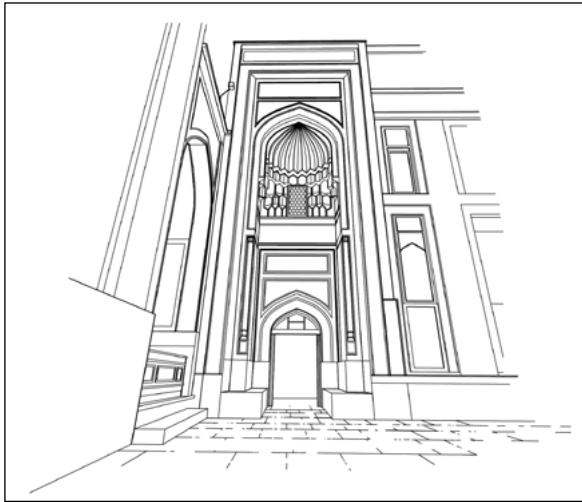
تصویر ۱۲- سر در ورودی قربانگاه.



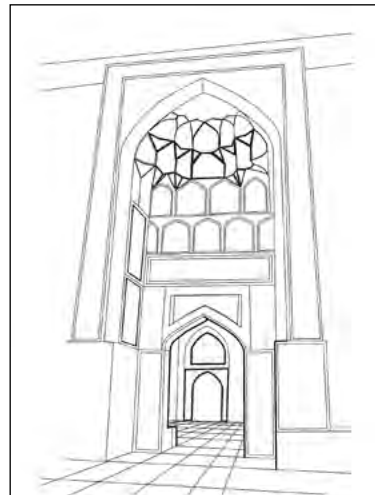
تصویر ۱۵- دالان.



تصویر ۱۳- ساحت.



تصویر ۱۶- سردر ورودی به دالان.



تصویر ۱۴- سردر ورودی به حیاط چهارم

احساس تعلیق جای آن را می‌گیرد. در اینجا ازل گم می‌شود و ابد بی‌پایان خود را می‌نمایاند. چون ازل گم شد ابد هم جاودان هر دو را کی خود هیچ ماند در میان

• در مجموعه شیخ صفی‌الدین: دالان

معادل وادی توحید در مجموعه شیخ صفی‌الدین را می‌توان فضایی دانست که با نام دالان از آن یاد می‌شود. اینجا فضایی تاریک است که درویش در آن گم می‌شود. با اینکه از چنین فضایی انتظار حرکت در امتداد آن را داریم اما به ناگاه در انتهای مسیر از جانب راست به مرحله بعد حرکت صورت می‌گیرد. این فضا با ابعادی کوچک و تناسباتی کشیده حواس انسان را به عالم بالا می‌خواند و امکان توجه به غیر را از انسان سلب می‌نماید. در این فضا انسان به سوی قبله می‌چرخد و این حاصل مقام توحید است.

و - وادی ششم

• در طریقت: حیرت

این مرحله حالتی است که بر سالکان به مقصد رسیده عارض می‌شود. این مرحله، مرحله خطرناکی است و بسیاری از سالکان در پیچ و خم‌های آن وامانده و به مرحله آخر نمی‌رسند. حیرت دو نوع است یکی مذموم که حیرت از روی جهل است و دیگری ستوده که از کمال معرفت حاصل می‌آید. این حیرت نتیجه شغشعه جمال معشوق است. بعضی چشم‌ها که توان و تحمل

رسیدن به حقیقت تشکیل می‌دادند و در این مقام بود که علوم و احوال بر طالب طریق عرضه می‌گردید. نامگذاری این حیاط با عنوان ساحت خود حکایتگر این نکته است که اینجا ساحت حضور است و وجوه مختلف حقیقت بر سالک عرضه می‌شود و او را از غیر بی‌نیاز می‌سازد.

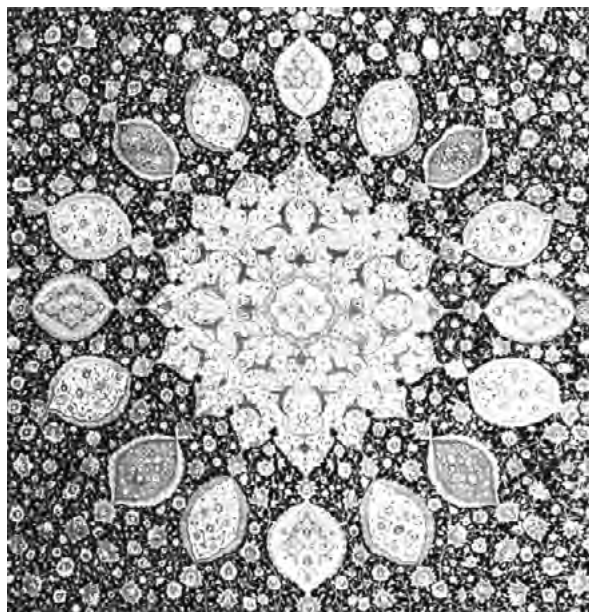
اما عبور از این حیاط و امکان دخول به مقام پنجم تنها از طریق یک اتفاق قابل انجام است، اتفاقی که در اینجا در قالب یک ورودی در کنج این حیاط رخ می‌نماید. ورودی در اینجا برخلاف هندسه موجود در انواع ورودی‌های ایرانی در محور اصلی حیاط قرار ندارد بلکه در یک کنج حیاط آن هم در دورترین نقطه نسبت به گنبد الله واقع شده است و این همان چیزی است که می‌توان آن را با اتفاق لازم برای عبور از وادی استغنا مرتبط دانست.

ه - وادی پنجم

• در طریقت: توحید

در این وادی سالک در کثرت وحدت می‌بیند و آنچه در دنیا به نظر او می‌آید مظهر حقیقتی یگانه است. در این مرحله سالک ممکن است از دو جهت به عالم وحدت برسد:

- اول - اینکه او تنها وجود واحد است و موجودات دیگر از خوب و بد و زشت و زیبا همه جلوه‌های او هستند.
 - دوم - عاشقی که بر اثر معرفت و استغنا وارد مرحله توحید شده است چنان متوجه و شیفته معشوق است که موجودات دیگر به چشمش نمی‌آیند و از نظر او وجود ندارند.
- در وادی توحید عدم احساس تعلق در آدمی پدید آمده و



تصویر ۱۹- نقش فرش دارالحفاظ.

ز - وادی هفتم

• در طریقت: فنا

کسی که از مرحله حیرت بگذرد به مقصد رسیده و در او فنا می‌شود. فنا عبارت است از نهایت سیر الی‌الله و آن جایگاهی است که به واسطه استیلای ظهور هستی حق بر باطن هوش و شعور از سالک بریده و وی را در عرصه حضور قرار می‌دهد. در این مرحله سالک به مقصد رسیده و اتحاد و اتصال با حق برایش حاصل آمده است. «از کاملان طریق آنکه از خود فانی می‌شود و به این مقام نایل می‌آید انسان کامل نام دارد. وجود چنین فردی جامع تمام عوالم و مظهر جمیع اسماء و صفات حق است، آینه‌ای است که حق در آن تجلی دارد و در حقیقت غایت خلقت و هدف آفرینش است» (زرین‌کوب، ۱۳۷۷، ۱۰۳).

• در مجموعه شیخ صفی‌الدین: گنبد الله یا مقبره شیخ

و زاویه حاجی سام

وادی هفتم در مجموعه شیخ صفی‌الدین را می‌توان زاویه حاجی سام و گنبد الله دانست. زاویه حاجی سام با دو پله مرمین از سطح دارالحفاظ بالاتر قرار می‌گیرد و از طریق یک پنجره مشبک فولادین که پیشتر به روکش طلا مزین بوده از آن فضا جدا می‌گردد. این فضا هم سطح با مقبره شیخ می‌باشد و با یک در از آن جدا می‌گردد. زاویه حاجی سام به عنوان مفصل بین گنبد الله و دارالحفاظ عمل نموده و در بردارنده طاقی است که با نقش پر طاووس تزیین یافته است که از نظر اهل طریقت نشان عروج است.

گنبد الله اصلی‌ترین بخش معماری این مجموعه می‌باشد. گنبد هم در رنگ و هم در شکل فضا از مهم‌ترین نمادهای عرفانی جهان اسلام به شمار می‌آید. شکل کروی و دایره‌وار در قسمت انتهایی آن یکی از زیباترین و کامل‌ترین اشکال است و کمال را تداعی می‌کند و همچنین شکل خاص گنبد که گنبد مینا یا آسمان را

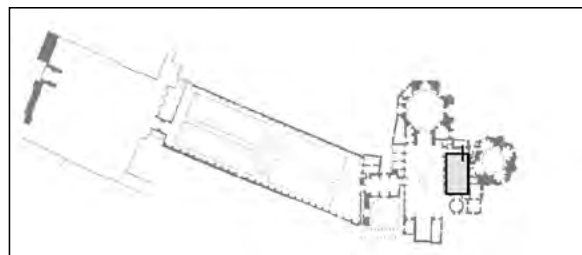
دیدن این نور عظیم و خیره‌کننده را ندارند، کارشان به جنون می‌کشد. «در واقع سالک که به اعتقاد خود با مجاهدت و خلوت و ریاضت به کشف حجاب حس و نیل به ماوراء حس دست می‌یابد جانش مهبط انوار روحانی و محل نزول فتوح ارنی می‌شود» (زرین‌کوب، ۱۳۷۷، ۱۰۳). خصلت این وادی سردرگمی است، نه آن سردرگمی از انتخاب، بلکه حیرانیتی از درک وجوه مختلف این وادی. در این وادی زمان و مکان معنای خویش را از دست می‌دهند و یا به عبارتی دیگر زمان و مکان با هم یکی می‌گردد. این بی‌زمانی سالک را در برابر تمامی پیوندهای گذشته با تردید مواجه می‌سازد و به نوعی بیهوشی و فراموشی فعال را بر سالک مستولی می‌گرداند.

آه باشد، درد باشد، سوز هم

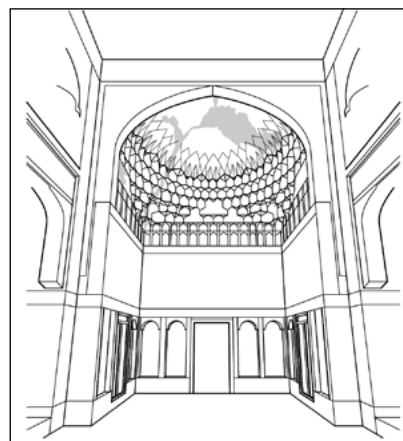
روز و شب باشد، نه شب نه روز هم

• در مجموعه شیخ صفی‌الدین: دارالحفاظ

دارالحفاظ و بازی نور و سایه در سقف که آن همه نقش و تزیینات را با خود به همراه دارد، پس از عبور از دالان انسان را در جای خویش ثابت می‌گرداند و او را متحیر از این همه جلوه، مسحور خویش می‌دارد. با قرار گرفتن فرشی با نقش و نگار زیبا که تجلی‌گر نقوش موجود در سقف این فضا می‌باشد زمین و آسمان به یکدیگر دوخته می‌شود و آدمی را در حالت تعلیق میان زمین و آسمان نگاه می‌دارد و صوت قرآن این احساس را دوچندان می‌کند. دارالحفاظ تجلی حقیقی وادی حیرت است چرا که علی‌رغم شگفتی‌های موجود در آن، خود مقصد نیست و هنوز یک گام تا رسیدن به مقصد باقی است.



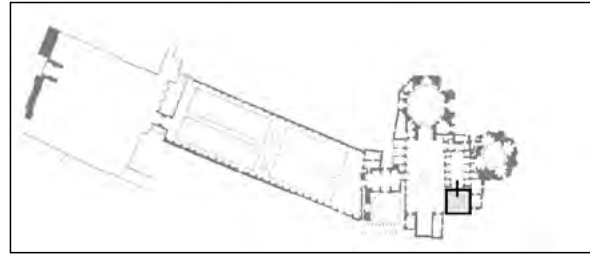
تصویر ۱۷- دارالحفاظ.



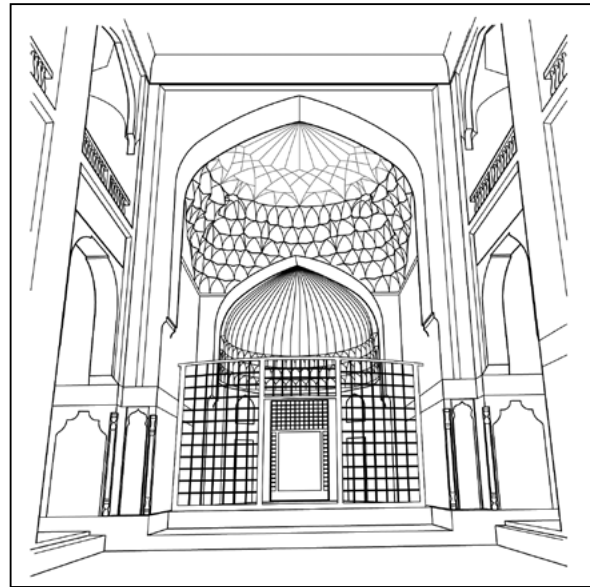
تصویر ۱۸- سر در ورودی به دارالحفاظ.



تصویر ۲۲- منظره قبر شیخ از زاویه حاجی سام.



تصویر ۲۰- گنبد الله الله.



تصویر ۲۱- ورودی گنبد الله الله و زاویه حاجی سام.

نهایی نمونه خویش یعنی حقیقت آسمان و معنی و مفهوم کلمه مقدس است. زیبایی داخلی و خارجی و لوستر زیبایی که از انتهای آن آویزان بوده می‌تواند به این سبک نهایی یاری دهد و آنها در عین حال به ضرب و تاثیر نمادین شکل هم می‌افزایند.

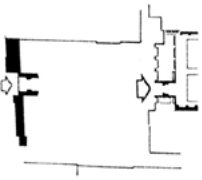
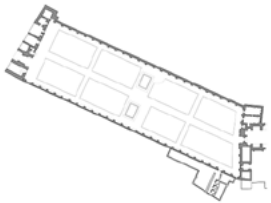

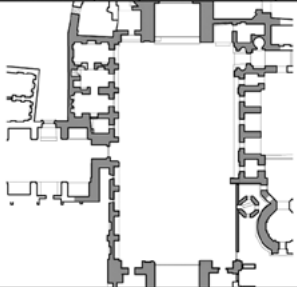
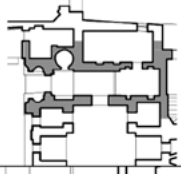
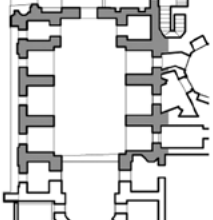
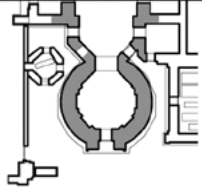
تداعی می‌کند خود نشان‌دهنده در بر گرفتن تمامی خلقت می‌باشد (توسط آسمان) و این نکته با این معنا که دایره تمامیت و کمال است انطباق دارد (بلخاری، ۱۳۸۴، ۵۱۲).
استفاده از عامل رنگ و کلمه زیبای الله نماد سبک و سبک



تصویر ۲۳- منظره سه بعدی مجموعه آرامگاه شیخ صفی‌الدین (ره).

نتیجه

جدول ۲- ارتباط میان تفکر طریقت و مجموعه شیخ صفی.

نقشه فضای مربوطه	مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی	طریقت	وادی اول
	<p>میدان یا حیاط اول:</p> <p>رویت نشدن گنبد الله الله و تنها یک در به عنوان تنها نشانه آمیختگی عملکردهای شهری با مجموعه تناسبات مربع و عدم تاکید بر حرکت</p>	<p>طلب یا جستجو:</p> <p>عدم آشکارگی نیک و بد پدید آمدن مشکلات و ضرورت صبر بین عینیات و ذهنیات دری که همیشه باز است</p>	
	<p>عرصه یا حیاط دوم:</p> <p>تناسبات بسیار کشیده حیاط و تاکید بر حرکت رویت تصویری ناکامل از گنبد الله الله برگزاری مراسم‌های آتش‌بازی وجود سبز بسیار و عدم اشراف بر ابعاد فضا</p>	<p>عشق:</p> <p>آتش است می‌سوزد و می‌سوزاند. در تب و تاب حرکت. معشوق آنگونه شناخته می‌شود که عاشق می‌خواهد نه آنگونه که هست. زاده حالی است که بر انسان مستولی می‌شود نه منبعث از ویژگی‌های سنتی</p>	وادی دوم
	<p>قربانگاه:</p> <p>وجود چله‌خانه‌های قدیم و جدید قربانگاه و دست شستن از همه تعلقات با آگاهی کوتاهی مسیر و ایجاد فضایی آرام فراهم شدن امکان نگاه به ساحت</p>	<p>معرفت:</p> <p>مسیر معین است ضرورت تأمل و اندیشه</p>	وادی سوم
	<p>ساحت:</p> <p>حس رسیدن با رویت کامل گنبد الله الله حضور رنگ، آب، و آسمان و فراموشی دنیای بیرونی قرارگیری ورودی مقبره در کنج و رویت اتفاقی آن</p>	<p>استغنا:</p> <p>عبور از این وادی یک اتفاق است احساس رضایت از حال پیش آمده</p>	وادی چهارم
	<p>دالان:</p> <p>فضایی کوچک و سلب امکان توجه به غیر تناسبات کشیده و جلب توجه به عالم بالا</p>	<p>توحید:</p> <p>رویت وحدت در عالم کثرت احساس تعلیق و عدم احساس تعلق به دیده نیامدن سایر چیزها</p>	وادی پنجم
	<p>دارالحفاظ:</p> <p>بازی نور و سایه در سقف نقش و تزیینات و شگفتی از مواجهه انسان با آنها چشم‌اندازی به فضای داخلی گنبد الله الله</p>	<p>حیرت:</p> <p>سر در گمی در نتیجه شعشعه نور جمال معشوق تردید در پیوندهای گذشته عدم تشخیص مکان و زمان فراموشی و بیهوشی فعال</p>	وادی ششم
	<p>گنبد الله الله:</p> <p>گنبد و تداعی عالم بالا تناسبات عمودی و تکرار نام جلاله رنگ و نور و نقش مقبره شیخ</p>	<p>فنا:</p> <p>استیلای حضور هستی بر باطن</p>	وادی هفتم

می‌شد... (کیانی، ۱۳۶۹)؛ البته زاویه حاجی سام زاویه‌ای بسیار کوچک بود و علت آن نظر شیخ صفی‌الدین (ره) بود که می‌گفت: «صوفیان در بند عمارت آب و گل نباشند، عمارت صوفیان عمارت دل باشد»^{۲۱}. این فضا نیز دارای ویژگی‌های خاصی است که شاید بتوان آن را با مراحل هشت‌گانه عرفان مرتبط دانست و با در نظر گرفتن این فضا، گنبد الله می‌تواند مقام هشتم دانسته شود. با این تفسیر می‌توان چنین استنباط نمود که شیخ پس از اینکه از خلق به سوی حق سیر نمود دوباره سیر من الحق الی الخلق را طی کرده و در مقام والایی از عرفان قرار گرفته است. لیکن تأمل در این موضوع و شناخت این امر نیاز به مطالعات بیشتری را طلب می‌کند که در فرصت کوتاه این مقاله نمی‌توان به آن دست یافت.

آنچه در این مقاله در خصوص ارتباط میان تفکر طریقت و معماری مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بیان گردید را می‌توان در جدول ذیل به اجمال بیان نمود.

در برخی از متون، مراحل عرفان را هشت دانسته‌اند حتی در نوشته‌های عطار نیز پس از مرحله هفتم از مقامی یاد می‌کند که دیگر در آن روش و مسیر روشن نیست. فضایی ما بین دو بخش دارالحفاظ و گنبد الله وجود دارد که با نام زاویه حاجی سام شناخته می‌شود و محل اتفاقات مهمی در طول تاریخ نظیر ملاقات تیمور با خواجه علی سیاه پوش بوده است. زاویه عبارت از غرفه‌ای بود که در آن محرابی برای نماز وجود داشت یا ضریح و گنبدی بود که برای یکی از اولیاء مرابطین بنا شده بود، یا حجره‌ای که در آن قرآن مجید و برخی علوم دیگر تعلیم داده

پی‌نوشت‌ها:

۹ جهت اطلاعات بیشتر در خصوص تعریف این شواهد و نحوه استفاده از آنها در انجام تحقیقات تفسیری - تاریخی رجوع شود به: (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ۱۵۷-۱۵۴).

۱۰ می‌فرمودی که: «هر مردی که او را قوت تمام محافظت شریعت نباشد همچنان باشد که میوه‌ای که آن را پوست نباشد بی‌صوان باشد و محفوظ نباشد». (طباطبایی مجد، ۱۳۷۶، ۸۷)

۱۱ منظور از تصوف در این نوشته گرایشاتی که امروز تحت این عنوان شکل گرفته و به صورت فرقه‌هایی که سعی دارند تا تحت لوای این نام از احکام شریعت تخطی نموده و هوای نفس را ارضاء نمایند نمی‌باشد.

۱۲ پایه نخست ملکه نفسانی و استعداد ویژه‌ای است که رابطه مستقیم میان بنده و پروردگار به وسیله آن برقرار می‌شود. در همین استعداد ویژه است که ذات و موضوع متحد می‌شوند و نموده‌ها و درخشندگی‌ها به‌جای تصورات و احکام و قضایای منطق عقل می‌نشینند. حصول شناخت در این ملکه نفسانی «آنی» است و نه «زمانی». اما پایه دوم که امکان اتحاد میان صوفی و خداوند باشد در مفهوم و معنای تصوف یک امر ضروری است و اگر غیر از این باشد تصوف صرفاً یک اخلاق دینی خواهد بود. این پایه بر اساس اعتماد مطلق یا حقیقت وجود یا موجود واحد و احدی که همه موجودات در آغوش او پیوسته‌اند استوار است که اتصال و پیوستن به او با اختلاف مراتب ممکن است.

۱۳ اتحاد میان خدا و انسان امری است که نیاز به تفسیر و تبیین دقیقی دارد و نمی‌توان به سهولت آن را امری بدیهی و منطقی با آموزه‌های دینی دانست. بلکه باید حدود و کیفیت آن دقیقاً روشن گردد و معین شود که منظور از این اتحاد چیست. در آیه «انا لله و انا الیه راجعون» می‌بینیم که به سوی او رفتن ملاک شمرده می‌شود و اصالت با جهت است نه الزاماً یکی شدن که اتحاد خالق و مخلوق در معنی لغوی خویش امری محال به‌نظر می‌رسد. لیکن در این خصوص تعاریف و صحت و سقم هر گفته‌ای بر عهده‌ی علمای دین و متخصصان این حوزه بوده و از توان نگارندگان خارج است.

۱۴ جهت اطلاعات بیشتر در خصوص وفات شیخ صفی و چگونگی

۱ نظیر یادمان بزرگان و یادمان رخداده‌ها و رشادت‌های گوناگون که با استفاده از تصاویر عینی آن فرد یا عناصر موجود در آن رخداد سعی در بازآفرینی آن امر داشته و آن را بزرگ می‌دارند.

۲ البته برخی از آثار مغرب زمین که آمیخته با آثار تصویرگری و یا مجسمه‌سازی می‌باشد را می‌توان در این دسته جای داد.

۳ از این رو، مقدم‌ترین و درست‌ترین حقیقت درباره‌ی هر صورتی این است که یک نماد است، پس سالک حقیقت هنگام تعمق و تفکر درباره‌ی چیزی به قصد آن که واقعیت بزرگتر آن به ذهنش متبادر شود، آن را از جنبه‌ی کلی‌اش مورد بررسی قرار می‌دهد. جنبه‌ی دیگر، فقط بیانگر وجود آن چیز است (Siraj-al-Din, 1952, 50).

۴ در خصوص اعداد نمادین و کاربرد آنها در معماری نمونه‌های بسیاری وجود دارد. به عنوان مثال می‌توان به تعداد اطاق‌ها و حجره‌های مدرسه خان شیراز اشاره نمود که تعداد آنها برابر ۱۱۴ سوره قرآن می‌باشد و در آن پنج مدرس قرار دارد. همچنین تعداد گل میخ‌های در ورودی مسجد آقا بزرگ کاشان که برابر تعداد آیه‌های قرآن می‌باشد.

۵ جهت اطلاعات بیشتر در خصوص برخی از نمادها و کاربرد آنها رجوع شود به: کتاب مقدس و نامقدس نوشته میرچا الیاده.

۶ مقبره شیخ صفی‌الدین در تاریخ دی ماه ۱۳۱۰ با شماره ۶۴ در فهرست آثار ملی ثبت گردید و نهم مرداد ۱۳۸۹ (۳۱ جولای ۲۰۱۰) در اجلاس سی و چهارم که در برازیلیا برگزار شده بود با شماره ۱۳۴۵ به‌عنوان میراث جهانی شناخته شد.

۷ دلایل مختلفی برای عدم مطابقت مطالعه بر روی یک اثر تاریخی با مطالعات علمی وجود دارد. مهم‌ترین دلیل عدم امکان کنترل داده‌ها و شرایط در مطالعات تاریخی می‌باشد که ماهیت تحقیقات علمی را از تحقیقات تاریخی متمایز می‌سازد. به عنوان نمونه می‌توان به این نکته اشاره نمود که در مطالعات تاریخی دسترسی به اسناد با مشکلاتی روبرو است، بسیاری از اسناد در طول تاریخ از بین رفته و بخش‌هایی از بناها در طول زمان نابود گردیده‌اند و اثری از آنها به جای نمانده است و یا در طرح اولیه پیش‌بینی گردیده ولی به اجرا در نیامده‌اند.

- دفن او رجوع کنید به: ایاده، میرچا (۱۳۷۵) مقدس و نامقدس، ترجمه نصر الله زنگویی، انتشارات سروش، تهران.
- ابن بزاز اردبیلی، (۱۳۷۳)، صفوه الصفا، باب نهم، فصل دوم، ۹۹۳-۹۸۲.
- ۱۵ صدر الدین موسی پسر بزرگ شیخ صفی‌الدین بود که شیخ پیش از سفر حج و قبل از تشریف به مکه معظمه او را به عنوان جانشین خود تعیین کرده بود (ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳، ۱۴).
- ۱۶ دکتر سید محمود موسوی مسئولیت انجام این کاوش را بر عهده داشته و گزارش انجام این کار را در دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارائه داده است. وی در این گزارش به تفاوت میان کاوش‌های صورت گرفته و دیگر کارهای ترسیم‌مورتن‌ماخوذ از کتاب صریح‌الملک اشاره نموده و آثار کشف شده قدیمی‌تر از مندرجات این کتاب که می‌توان در صفوه الصفا ردیابی نمود را نشان می‌دهد (موسوی، ۱۳۷۸، ۴۳۴-۴۰۹).
- ۱۷ تصاویر سه بعدی تهیه شده از سردرهای مجموعه شیخ صفی‌الدین و نیز مجموعه کامل مزار شیخ صفی توسط آقایان مجتبی ثابت‌فرد، مصطفی کرباسی، مجتبی حسن‌زاده، و ابراهیم پوستین‌چی و زیر نظر نگارنده مسئول مدل‌سازی و ارائه گردیده است.
- ۱۸ بلخاری این مطلب را از منبع ذیل نقل کرده است: ارنست، کارل (۱۳۷۷)، روزبهان بقلی، ترجمه مجد الدین کیوانی، نشر مرکز، تهران، ص ۱۲۴.
- ۱۹ محل چله نشینی معمولاً خانقاه بود، خانقاه از نظر اسلوب ساختمانی طوری ساخته می‌شد که برای انجام دادن چنین برنامه‌ای مناسب باشد. «چله خانه جایی است تنگ و تاریک به اندازه محلی که بتوان در آن نماز گذارد و بر در آن پرده‌ای آویخته بود، تا هیچ روشنی به درون نیاید و حواس را از کار نیفکند و از عالم غیب باز ندارد» (کیانی، ۱۳۶۹، ۴۲۳).
- ۲۰ این منبع را محسن کیانی در کتاب تاریخ خانقاه در ایران با مشخصات ذیل آورده است. لیکن به دلیل نقص اطلاعات منبع در فهرست منابع مقاله ذکر نمی‌گردد: دایره المعارف اسلام، ترجمه شده به زبان عربی، چاپ مصر، ۱۹۳۴، ج ۸، ۲۳۳-۲۳۱، ذیل واژه زاویه.
- ۲۱ مرحوم حاجی سام مدعا نمود که در خلوتسرای شیخ زاویه‌ای بزرگ از آجر بسازد. شیخ اجازه نمی‌داد. بعد از تکرار و مبالغه در التماس شیخ قدس سره فرمود که ما را آنچه‌ان زایویه نباید و اگر نیز بشود در کار نیاید. فرمود که صوفیان در بند عمارت آب و گل نباشند عمارت صوفیان عمارت دل باشد و در آن کوشند و صوفیان را کار خانه عبادت باید نه کاشانه و عمارت (گلمغانی زاده اصل، یوسفی، ۱۳۸۴، ۱۶۹).
- فهرست منابع:**
- ابدال زاهدی، شیخ حسین ابن شیخ (۱۳۴۳)، سلسله النسب صفویه انتشارات ایرانشهر، برلین.
- ابن بزاز اردبیلی (۱۳۷۳)، صفوه الصفا: در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی، مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات مصحح.
- اردلان، نادر، بختیار، لاله (۱۳۸۰)، حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
- ارنست، کارل (۱۳۷۷)، روزبهان بقلی، ترجمه مجد الدین کیوانی، نشر مرکز، تهران.
- ایاده، میرچا (۱۳۷۵) مقدس و نامقدس، ترجمه نصر الله زنگویی، انتشارات سروش، تهران.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۷۹)، سفرنامه آدام اولئاریوس، ترجمه حسین کردبچه، نشر هیرمند، تهران.
- بدوی، عبد الرحمن (۱۹۱۷)، تاریخ تصوف اسلامی: از آغاز تا پایان سده دوم هجری، ترجمه دکتر محمود رضا افتخارزاده.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۴)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی (دفتر اول وحدت وجود و وحدت شهود، دفتر دوم کیمیای خیال)، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران.
- پیغامی، لیلیا (۱۳۸۸)، ثبت جهانی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و طراحی سر در آن جهت وحدت بخشیدن به موضوع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، استاد راهنما: دکتر مجتبی رضازاده اردبیلی، دانشگاه تهران، تهران.
- زاره، فردریش (۱۳۸۵)، اردبیل بقعه شیخ صفی، ترجمه صدیقه خوانساری موسوی، فرهنگستان هنر، تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷)، ارزش میراث صوفیه، چاپ هشتم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- صفری، حاجی بابا (۱۳۵۳)، اردبیل در گذر زمان، چاپ بهارستان، تهران.
- طباطبایی مجد، غلامرضا (۱۳۷۶)، درد طلب: احوال و آراء شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نشر ابو، تبریز.
- کابین، دیوید اسمیت (۱۳۸۲)، مبانی نظری معماری، ترجمه علی یاران، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- کروچه، بندتو (۱۳۶۷) کلیات زیبایی‌شناسی، ترجمه فواد روحانی، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- کیانی، محسن (میرا) (۱۳۶۹)، تاریخ خانقاه در ایران، کتابخانه طهوری، تهران.
- گروت، لیندا، وانگ، دیوید (۱۳۸۴)، روش تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- گلمغانی زاده اصل، ملکه، یوسفی، حسن (۱۳۸۴)، باستان‌شناسی و تاریخ هنر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، انتشارات نیک آموز، اردبیل.
- مصباحی، شکوفه (۱۳۸۸)، گمشده‌ای از هنر و معماری صفویه مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی: طرح بازسازی سر در عالیقاو و احیای تزیینات آن، ناشر رسانه پرداز و پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، تهران.
- موسوی، سید محمود (۱۳۷۸)، «کاوش در بخش غربی مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی - اردبیل»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، دوره دوم، جلد دو، ۴۳۴-۴۰۹.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (۱۳۷۷)، مقالات مولانا (فیہ مافیہ)، ویرایش جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، تهران.
- نسفی، عزیزالدین (۱۳۵۹)، الانسان الکامل، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران، چاپ دوم کتابخانه طهوری، تهران.
- یثربی، سید یحیی (۱۳۶۶)، تحلیلی از اصول و مبانی و مسایل عرفان، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز.
- Morton, A. H, (1974), *The Ardabil Shrine in the Region of Shah Tahmaseb I, Iran, Vol. XII, The British Institute of*

Persian Studies, London.

Rezazadeh, Mojtaba (1984), *Santuario Di Sheikh Safi Ardebil Iran*, Scuola Di Specializzazione Per Lo Studio Ed Il Restauro Dei Monumenti, Rome, Italy.

Tagliaventi, Ivo (1976), *Violet-Le-Duc*, E LA Cultura Architectonica Dei Revivals, Biligna, Patron

Siraj-al-Din, Abu Bakr, (1952), *The Book of Certainty*, Princeton Rider and Co., London.